

یهود و علل عدم پذیرش دعوت موعود

الهام گروسی^۱

چکیده

یهودیان منتظر منجی و موعود خود بودند و در پی جستجوی او به جزیره العرب مهاجرت کردند ولی وقتی از ظهور او مطلع گشتند به او پشت کرده و انکارش نمودند، از آنجا که مخالفت انسان با حق و حقیقت علل متفاوتی دارد یهودیان نیز عللی برای نپذیرفتن دعوت حق داشته‌اند و همین کارشکنی و مقابله آنها با حضرت رسول ﷺ مانع گسترش اسلام گردیده و ضروری دانسته شد که علت این بی‌توجهی مورد بحث قرار گیرد و با مراجعه به کتاب‌های تاریخی و روایی به روش گزارشی-توصیفی به بررسی آن پرداخته شد و علل عدم پذیرش آنان گرفتار شدن به ردائل نفسانی از قبیل دنیا طلبی، مال دوستی، نفاق، حسادت، لجابت و دانسته شد که هر یک از این موارد سبب سخت شدن قلوب ایشان و نادیده گرفتن حق گردید.

کلید واژه: پیامبر خاتم ﷺ، عدم پذیرش، مخالفت یهود.

۱. طلبه سطح دو، حوزه علمیه کوثرزوین، garoosi4602@gmail.com

مقدمه

به پیروان حضرت موسی (علیه السلام) که کتاب تورات را به عنوان کتاب آسمانی پذیرفته و به الهی بودنش معتقد هستند، یهود گفته می‌شود. در کتاب یهودیان سخن از منجی به میان آمده است که با شخصیت بزرگوار اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) قابل انطباق است ولی برخی از یهودیان پس از شناخت کامل ایشان سعی در کتمان حقیقت داشتند. سؤالی که برای هر انسان حقیقت جو پیش می‌آید این است که آنها چه دلیل و انگیزه‌ای برای ردّ پیامبر موعود (صلی الله علیه و آله) داشتند؟ پاسخ این سؤال را می‌توان در علمی مانند ادیان، تاریخ و تفسیر جستجو کرد، ولی در این اثر بررسی آن در علوم ادیان و تاریخ به دلیل دینی و تاریخی بودن موضوع ترجیح داده شد و از یهودیانی که در زمان حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) از دعوت ایشان چشم‌پوشی کردند تحقیق به عمل آمد.

اهمیت بحث در این است، همان‌گونه که یهودیان آگاه از تولّد موعود بودند ولی از پذیرش دعوتش سرباز زدند مسلمانان نیز از روی جهالت و تعصبات بی‌مورد با وجود و حضور موعود اسلام حضرت مهدی (عج) مقابله نکرده و منتظر ظهورش باشند. با توجه به مطالعاتی که در کتب مختلف در رابطه با موضوع تحقیق به عمل آمد، آثار زیادی در باره قوم یهود به چشم می‌خورد که هر کدام از این کتاب‌ها، با زاویه و دید خاصی به مسئله دین یهود پرداخته بودند. کتاب درسنامه ادیان ابراهیمی، تألیف عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، تنها سرگذشت یهود را به رشته تحریر در آورده بود، برخی دیگر مانند کتاب تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی، تألیف علی جدید بناب، ویژگی برجسته این قوم را مطرح کرده بودند. طباطبایی در تفسیر المیزان و مکارم شیرازی در تفسیر نمونه، در هر فرصتی به تناسب حال مطالبی را در این زمینه به میان کشیده و به مدد آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) پرده از چهره این قوم گرفته‌اند. کتاب‌های معتبر دیگری نیز به اجمال به ویژگی‌هایی از این قوم اشاره کرده بودند اما در تمامی این کتاب‌ها سیر منظم و به هم پیوسته‌ای در ارائه اطلاعات به چشم نمی‌خورد. در تحقیق حاضر سعی شده است سیر تاریخی یهود قبل از بعثت تا زمان مبعوث شدن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و علل نپذیرفتن اسلام توسط آنان را در قالب دسته‌بندی منسجم و روان جهت سهولت در مطالعه تاریخ و شناختن چهره واقعی آنها بیان کند و دید کلی و منطقی درباره این قوم را به خواننده محترم عرضه نماید.

در این تحقیق با مراجعه به کتاب‌های تاریخی و روایی به روش گزارشی_ توصیفی به گرد آوری مطالب پرداخته شده است.

مقاله حاضر به تاریخ قوم یهود، علت مهاجرت آنان به جزیره العرب و عوامل کارشکنی آنان در برابر پیامبر اسلام ﷺ پرداخته است.

معنای لغوی و اصطلاحی

یهود به قومی که بقایای عبرانیان، اسرائیلیان و پیرو موسی (علیه السلام) هستند اطلاق می‌شود.^۱ در اصطلاح به کسانی گفته می‌شود که خود را از فرزندان حضرت ابراهیم (علیه السلام) می‌دانند و در فلسطین ساکن گشتند و برای جستجوی غذا به سوی مصر شتافتند؛ و به رهبری حضرت موسی (علیه السلام) از مصر گریختند و حضرت موسی (علیه السلام) به آنان قوانین و شریعتی ارزانی داشت که پایه و اساس آیین شرعی آنان قرار گرفت.^۲

موعود به معنی وعده داده شده،^۳ از پیش معین شده است.^۴ در اصطلاح در همه ادیان انسان برای رسیدن به آینده‌ای روشن چشم به راه فرد یا گروهی است که در نهان و غیبت به سر برده و در آینده، ظهور خواهد کرد و نجات و رهایی او را به ارمغان خواهد آورد.^۵

در ابتدا باید به چگونگی شکل‌گیری قوم یهود پرداخت و با منشأ این قوم و سیر تاریخی زندگی آنان آشنا شد تا در نهایت بتوان به علت کارشکنی آنان در مقابل پیامبر اسلام ﷺ پی برد.

زمینه‌های پیدایش یهود

ابراهیم (علیه السلام) تا مهاجرت به مصر

تاریخ یهودیت یا به تعبیری تاریخ قوم اسرائیل با زندگی و مهاجرت حضرت ابراهیم (علیه السلام) آغاز می‌شود. حضرت ابراهیم (علیه السلام) در نیمه اول هزاره دوم پیش از میلاد در شهر اور در بین النهرین متولد

۱. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۸، ص ۸۵۹۰.

۲. سعیدیان، دائرة المعارف بزرگ نو، ج ۱۰، ص ۹۶۲۷.

۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، ص ۱۸۶۹.

۴. صدری افشار، حکمی، فرهنگ نامه فارسی واژگان و اعلام، ج ۳، ص ۲۶۴۹.

۵. مرجانی، ترک، مهدویت و انتظار در ادیان الهی، ص ۱۹۴.

شد و بعد از دست یافتن به توحید با الهام الهی از آنجا که آلوده به شرک و بت پرستی بود مهاجرت کرد.

در کتب یهود در کتاب سفر پیدایش آمده است که خداوند به ابراهیم علیه السلام دو وعده داده است اول اینکه از نسل او قومی بزرگ به وجود می آورد و دوم اینکه سرزمینی که از رود نیل تا رود فرات ادامه دارد به قوم او خواهد بخشید. ابراهیم علیه السلام صاحب دو فرزند به نام اسحاق علیه السلام و اسماعیل علیه السلام می شود و با وفات ابراهیم علیه السلام فرزندش اسحاق علیه السلام شیخ و بزرگ قبیله می گردد، اسحاق علیه السلام نیز صاحب دو فرزند به نام یعقوب علیه السلام و عیسو می شود و در کنعان از یعقوب علیه السلام فرزندی به نام یوسف علیه السلام پدید می آید که به علت حسادت برادرانش نسبت به او، به تاجران اسماعیلی که عازم مصر بودند فروخته می شود. به مدد الهی یوسف علیه السلام وزیر مصر می شود و وقتی قحطی همه جا را فرا گرفت و برادران یوسف علیه السلام برای تهیه گندم به مصر آمدند خود را به برادرانش معرفی می کند و از آنها می خواهد که پدر را از کنعان به مصر کوچ دهند و به این صورت قوم بنی اسرائیل در مصر شکل می گیرد.^۱

ظهور موسی علیه السلام و خروج از مصر

بنی اسرائیل در مصر با آرامش زندگی کردند تا اینکه فرعون به نام رامسس دوم به حکومت رسید. او بیگانه بودن بنی اسرائیل را بهانه قرار داد تا بتواند از آنان به رایگان کار بکشد و به اهداف خود برسد، در این زمان از خاندان یعقوب علیه السلام پسری به نام موسی علیه السلام زاده شد که به گفته تورات مادرش او را از ترس فرعونیان به کنار رود نیل برده و در نیزارها مخفی کرد ولی به مدد الهی دختر فرعون او را پیدا کرد و با خود به کاخ برد و موسی در آنجا رشد کرد و مردی تنومند شد.^۲ بعد از مرگ پادشاه مصر بنی اسرائیل به درگاه خداوند استغاثه کرده و از خداوند خواستند که آنان را نجات دهد. خداوند به حضرت موسی علیه السلام مأموریت می دهد که قوم اسرائیل را از چنگال فرعونیان نجات داده به سرزمین موعود برساند. فرعون به تعقیب آنان می پردازد، قوم کنار دریای سرخ می رسد و دریا

۱. ر. ک. سلیمانی اردستانی، درسنامه ادیان ابراهیمی، ص ۱۹-۱۴؛ آژیر، منجی باوری در کیش زرتشتی و ادیان ابراهیمی، ص ۹۷-۱۰۰.

۲. ر. ک. سلیمانی اردستانی، همان، ص ۳۰-۲۱؛ امامی فروشانی، ادیان و مذاهب را آنطور که هستند بشناسیم، ص ۵۲.

با عصای موسی (علیه السلام) شکافته می شود و بنی اسرائیل از آن عبور می کنند اما فرعونیان غرق می شوند. سرانجام آنها پس از سال ها سرگردانی به مرز سرزمین موعود می رسند.^۱

دوره های داوران و پادشاهان

بعد از وفات حضرت موسی (علیه السلام) دوره ای آغاز می شود که به عصر داوران معروف است در این دوره مردم به هنگام ضرورت و برای اداره امور خود نزد فردی که او را پیامبر و رهبر الهی می دانستند و داور یا قاضی می خواندند می رفتند، تعداد این داوران شانزده نفر بود. اولین آنها یوشع بن نون جانشین حضرت موسی (علیه السلام) بود. خداوند به یوشع دستور می دهد که خود را از رود اردن عبور داده سرزمین موعود را فتح کند. او سرزمین کنعان را فتح کرده آن را بین اسباط دوازده گانه بنی اسرائیل تقسیم می کند. در عصر داوران آخرین داور سموئیل (علیه السلام) است، که به دستور خداوند فردی به نام داوود را به جای خود بر می گیرند، داوود در پایان عمر خود با توصیه ناتان نبی پسرش سلیمان (علیه السلام) را به جانشینی خود بر می گیرند. سلیمان (علیه السلام) به دستور خداوند معبد بزرگ اسرائیل (هیکل) را در شهر اورشلیم بنا می کند. پس از وفات سلیمان (علیه السلام) مملکت بنی اسرائیل به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می گردد. سرانجام حکومت شمالی در سال ۷۲۰ (ق . م) پس از حدود ۲۰۰ سال به دست آشوریان سرنگون می شود و ده سبط ساکن در آن به اسارت می روند و برای همیشه پراکنده می شوند. کشور جنوبی در سال ۵۸۶ (ق . م) به دست بخت النصر پادشاه بابل به اشغال در می آید. بابلیان شهر اورشلیم و معبد سلیمان را ویران کرده و مردم را به اسارت می برند.^۲

دوره معبد دوم

در سال ۵۳۹ (ق . م) کشور بابل به دست کوروش کبیر فتح می شود و در سال بعد کوروش بنی اسرائیل را آزاد کرده و به آنها در تعمیر و بازسازی معبد کمک می کند. در این دوره کاهنان یهود که دست نشاندۀ ایرانیان بودند، بر بنی اسرائیل حکومت می کردند.^۳ کاهنان قوانین و مقررات سختی را وضع کرده بودند و به شدت از اختلاط قوم با دیگر اقوام جلوگیری می کردند. با کشورگشایی اسکندر مقدونی دوره سلطه ایرانیان به اتمام رسید و کشور فلسطین زیر سلطه یونانیان رفت. با مرگ اسکندر

۱. تلخیص از: سلیمانی اردستانی، همان.

۲. ر. ک. رشاد، نقش آفرینی یهودیان مخفی در دین اسلام، ص ۲۷؛ سلیمانی اردستانی، همان، ص ۳۱-۴۰.

۳. تلخیص از: قدیانی، فرهنگ جامع ادیان و مذاهب، ص ۱۱۷-۱۱۸.

نخواهند شد چرا که فرزندان خدایند. ولی خداوند متعال ادعای آنها را پوچ و مردود اعلام می‌کند و می‌فرماید:

«وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٠﴾ بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ و گفتند: هرگز کسی وارد بهشت نمی‌شود مگر آنکه یهودی یا نصرانی باشد، این دروغ‌ها و اباطیل آنان است بگو: اگر راستگویید دلیل و برهان خود را بیاورید. *آری، کسانی که همه وجود خود را تسلیم خدا کنند در حالی که نیکوکارند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند».^۲

عدم اعتقاد راستین به سرای آخرت

اعتقاد به معاد و توجه به آن در زندگی سبب می‌شود که انسان در گفتار و اعمالش مطابق فرمان الهی عمل نماید ولی یهودیان آخرت را فراموش کرده و زندگی را منحصر در دنیای مادی می‌دانستند اگر چه خودشان ادعا می‌کردند که به آن ایمان دارند و بهشت منحصر به آنهاست اما خداوند درباره ادعای آنان می‌فرماید:

«قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمْنُوا الْوُتَّ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢١﴾ لَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ؛ بگو: اگر [آن گونه که می‌پندارید] سرای آخرت [با همه نعمت‌هایش] نزد خدا ویژه شماست نه مردم دیگر، پس چنانچه راستگویید مرگ را آرزو کنید. * و آنان هرگز مرگ را به سبب گناهی که مرتکب شده‌اند، آرزو نمی‌کنند و خدا به ستمکاران دانااست».^۳

اگر آنها به سرای دیگر ایمان داشتند و نشانه‌های موعود خودشان را که در تورات بدان اشاره شده بود مطابق دیدند، نباید به مخالفت می‌پرداختند. با انکار نبوت رسول خدا ﷺ به عنوان آخرین پیامبر روشن می‌گردد که آنها هیچ ایمانی به سرای آخرت نداشتند زیرا که دست به تحریف آیات تورات زده و آن را به مال دنیا می‌فروختند.

۱. ر. ک. کتابخانه دیجیتالی: www.hadeer.org، ۱۳۹۸/۳/۲۸، ۱۶:۴۳، (صادقی، پیامبر و یهود حجاز)؛ جدید بناب، همان، ص ۱۳۴-۱۳۰.
۲. بقره: ۱۱۱-۱۱۲.
۳. بقره: ۹۵-۹۴.

داشتن روحیه عهد شکن

یکی از خصلت‌های یهودیان، داشتن روح پیمان شکنی است. آنها تا جایی بر عهده‌های خود وفا می‌کنند که منافعتشان به خطر نیفتد و پیشرفت رو به رشدی داشته باشند، ولی اگر منافع خود را در خطر ببینند در اولین فرصت پیمان خود را می‌شکنند. قرآن کریم به این صفت ناپسند آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ؛ آیا چنین نیست که هرگاه یهود پیمانی [با خدا و رسولانش] بستند، گروهی از آنان، آن را شکستند؟ [آنان نه فقط عهد شکنند] بلکه بیشترشان ایمان نمی‌آورند».^۱

خداوند از یهودیان پیمان گرفته بود تا به فرمان‌های او در تورات عمل کنند ولی آنها نه تنها به تورات عمل نمی‌کردند بلکه به خاطر منفعت طلبی بیشتر دست به تحریف آن می‌زدند.

«وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛ و زمانی که فرستاده‌ای از سوی خدا به سویشان آمد که تصدیق کننده کتابی است که با آنان است، گروهی از آنان که کتاب به آنان داده شده بود کتاب خدا را پشت سر انداختند، گویی نمی‌دانند [که کلام خداست]».^۲

همچنین از آنها عهد گرفته بود تا به پیامبر موعود ایمان بیاورند و بشارت آمدنش را در تورات به آنها داده بود، ولی باز هم آنها به خاطر روحیه پیمان شکن خود نه تنها او را انکار کردند بلکه به دشمنی علیه دینش و ترور جان و شخصیتش پرداختند.^۳

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که علت کارشکنی قوم یهود در برابر پیامبر اسلام ﷺ صفات رذیله‌ای بود که در نفسشان ریشه دوانده و آنها را از پذیرش موعود بازمی‌داشت.

نتیجه

۱. بقره: ۱۰۰.

۲. بقره: ۱۰۱.

۳. تلخیص از: جدید بناب، تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی، ص ۱۳۸-۱۳۷.

تحقیق حاضر به شناخت یهود و علل عدم دعوت موعود پرداخته است. زیرا اگر علل کارشکنی و عدم قبولی پیامبر ﷺ بررسی گردد سبب می‌شود تا مسلمانان نیز از تاریخ پندگرفته و به مشترکات دینی و اتحاد و همبستگی در مقابل کفر توجه نمایند و با گوناگون شدن مذاهب در اسلام آن را زیر لوای واحد بدانند و در گسترش آن کوشا باشد و زمینه را برای ظهور موعود اسلام فراهم نمایند و در هنگام قیام حضرت ﷺ مقابل او نایستند و او را برای جهانی شدن دین اسلام یاری دهند، زیرا یکی از عواملی که سبب شد یهودیان موعود خود را نپذیرند، آلوده شدن آنها به خصلت‌های ناپسند بود که این آلودگی باطنی سبب می‌شود انسان نه حق را ببیند و نه صدایش را بشنود و در صورت دیدن و شنیدن آن را انکار نماید.

برای پذیرش دعوت حق انسان نیازمند به آگاهی از حق، عقل سلیم و دور بودن از رذائل نفسانی است و در هر عصری افرادی هستند که به موارد فوق بی‌توجهی می‌کنند مانند یهودیان که خود را از فرزندان ابراهیم (علیه السلام) و اسحاق (علیه السلام) می‌دانستند و تعالیم شریعت حضرت موسی (علیه السلام) را پذیرفته بودند. خداوند در کتب آسمانی‌شان (تورات) به آنها آمدن منجی را بشارت داده بود و آنها نیز در پی یافتن او از فلسطین به جزیره العرب مهاجرت کردند ولی زمانی که مطلع گشتند موعود از میان خودشان برانگیخته نشده و از اعراب متولد گشته است به او پشت کرده و با او به کارشکنی پرداختند. این رویگردانی آنان عللی داشت از جمله اینکه، هم علماء و سران و هم عوام آنها به صفاتی رذیله مبتلا بودند که مانع پذیرش پیامبر اسلام ﷺ می‌شد. آنها می‌پنداشتند که اگر بزرگان و علماء یهود او را به عنوان پیامبر خاتم بپذیرند و به دیگران معرفی کنند موقعیت مالی و مقامی که تا آن زمان به دست آورده بودند به خطر می‌افتد و اعلام حضرت محمد ﷺ به عنوان پیامبر خاتم هیچ منفعتی برای آنان ندارد، از طرفی عوام یهود نیز کورکورانه از آنها تقلید می‌کردند و در تعالیم شان هم آموخته بودند که آنها نژاد برتر هستند و بر سایر افراد شرافت و برتری دارند و تکرار این موضوع سبب ملکه شدن در عمق جان آنها شده بود.

البته کفر آنها نیز سبب می‌شد قلب‌شان دچار قساوت گردد و پیام حق را نشنوند و از اینکه باید پیرو یک عرب باشند به او حسادت می‌ورزیدند و در پی لجبازی و عناد با او برآمدند. علاوه بر این موارد به صفات ناپسند دیگری مثل نفاق، عدم اعتقاد درست به معاد، عدم وفای به عهد و ... مبتلا بودند که با جمع این صفات در خود مانع پذیرش اسلام و دین حق می‌شدند.

فهرست منابع

- قرآن کریم، مترجم: انصاریان، حسین.

منابع فارسی

۱. آژیر، اسدالله، منجی باوری درکیش زرتشتی و ادیان ابراهیمی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۲ ه. ش.
۲. امامی فروشانی، محمدباقر، ادیان و مذاهب را آن طوری که هستند بشناسیم، اصفهان: گلبن، ۱۳۸۸ ه. ش.
۳. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱ ه. ش.
۴. بابایی، احمدعلی، برگزیده تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲ ه. ش.
۵. بلاغی، عبد الحجت، حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر، قم، ۱۳۸۶ ه. ق.
۶. جدید بناب، علی، تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱ ه. ش.
۷. دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن، مترجم: سعیدی، غلامرضا، قم: دارالتبلیغ اسلامی، بی تا.
۸. رشاد، یوسف، نقش آفرینی یهودیان مخفی در دین اسلام، مترجم: کسکنی، عباس، تهران: حلال، چاپ اول، ۱۳۹۳ ه. ش.
۹. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳ ه. ش.
۱۰. سعیدیان، عبدالحسین، دائره المعارف بزرگ نو، تهران: علم و زندگی- آرام، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ه. ش.
۱۱. سلیمانی اردستانی، عبدالححیم، ادیان زنده جهان، قم: مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۹۴ ه. ش.
۱۲. _____، درسنامه ادیان ابراهیمی، قم: کتاب طه، ۱۳۹۳ ه. ش.
۱۳. صدری افشار، غلام حسین، حکمی، نسرين، حکمی، نسترن، فرهنگ نامه فارسی واژگان و اعلام، تهران: فرهنگ معاصر ۱۳۸۹ ه. ش.

۱۴. عبدالرحمان بن محمد بن ابن خلدون، ابوزید، **تاریخ ابن خلدون**، مترجم: آیتی، عبدالمحمد، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ ه. ش.
۱۵. عبدالفتاح طبّاره، عفیف، **چهره یهود در قرآن**، مترجم: آیت‌اللّهی، مهدی، تهران: جهان آرا، بی‌تا.
۱۶. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۶۹ ه. ش.
۱۷. فغّال عراقی نژاد، حسین، **یهود در المیزان**، تهران: سبحان، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ه. ش.
۱۸. قدیانی، عبّاس، **فرهنگ جامع ادیان و مذاهب**، بی‌جا: انتشارات آرون، چاپ دوم، ۱۳۹۲ ه. ش.
۱۹. مترجمان، **ترجمه تفسیر جوامع الجامع**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ ه. ش.
۲۰. مترجمان، **ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: فراهانی، ۱۳۶۰ ه. ش.
۲۱. مرجانی، ملیحه، ترک، نعیمه، **مهدویت و انتظار در ادیان الهی**، بی‌جا: انتشارات عقیل، چاپ اول، ۱۳۹۰ ه. ش.
۲۲. مقدّسی، مطهر بن طاهر، **آفرینش و تاریخ**، مترجم: شفیع کدکنی، محمّدرضا، چاپ اول، بی‌تا.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه. ش.

منابع عربی

۲۴. طبرسی، الفضل بن الحسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، قم: نوروحی، ۱۳۸۸ ه. ش.
۲۵. طیب، عبدالحسین، **البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ه. ش.
۲۶. کلینی، محمّد بن یعقوب، **الکافی (ط_الإسلامیه)**، محقّق: غفاری، علی اکبر، آخوندی، احمد، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ه. ق.
۲۷. عیّاشی، محمّد بن مسعود، **تفسیر العیّاشی**، مصحح: رسولی محلّاتی، هاشم، تهران: المطبعه العلمیه، ۱۳۰۸ ه. ش.

کتابخانه دیجیتالی

۲۸. www.ghadeer.org، ۱۳۹۸/۳/۲۸، ۱۶:۴۳، (صادقی، مصطفی، پیامبر ﷺ و یهود حجاز).
۲۹. www.ghorbat.kosarblog.ir، ۱۳۹۸/۳/۲۷، ۱۹:۴۲، (حیدری، فرید، راز دشمنی یهود با اسلام)